

ابن خلدون و مهدویت

دکتر محمد رضا شهیدی پاک^۱^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

چکیده

ابن خلدون که سیر فرهنگ و تمدن اسلامی از صدر اسلام تا عصر نخست وزیری خود در دولت حفصیان را در مقدمه دسته بندی و باجزئیات فرهنگ و تمدن اسلامی را در گستره شرقی و غربی جهان اسلام نقد کرده است. از وجوه اهمیت مقدمه توجه به جریان های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مذهبی جهان اسلام است که سیر آن ها را دنبال کرده است. جریان های سیاسی و مذهبی و کلامی غرب جهان اسلام (آندلس، مغرب و افریقاییه) و شمال آفریقا که او خود از نزدیک آن ها را مشاهده می کرد و در متن برخی از آن ها قرار داشت، از جمله او نخست وزیر دولتی بود که با شعار مهدویت روی کار آمد. از جمله مباحث مقدمه که در این پژوهش گزارش شده است، ابن خلدون مسئله مهدویت است. اهمیت پژوهش در این است که در منطقه ای مهدویت را نقد کرده است که سابقه چند ادعای مهدویت که منجر به تاسیس دولت شد دارد. دولت فاطمیان و دولت مرابطین و دولت موحدین و جانشین آن ها حفصیان از نمادهای مهدویت استفاده کردند و هنوز نمادهای مهدویت (المهدی امامنا) روی مسکوکات آن ها وجود دارد. قبر ابن تومرت بزرگترین مدعی سازمان یافته مهدویت که دولت تاسیس کرد در تینمل، اطراف پایتخت او مراکش زیارتگاه است. سخن ابن خلدون در مورد مهدویت مرجعیت روایی دارد و شهرت روایی احادیث مهدویت در غرب اسلامی بویژه شمال آفریقا را نشان می دهد. مسئله پژوهش توجه به مواضع متناقض ابن خلدون است و فرضیه پژوهش اینکه علی رغم شهرت مهدویت و جایگاه اصیل آن در فرهنگ عمومی و خواص در غرب اسلامی بویژه شمال آفریقا، جریان دولتی بسیار گسترده ای دولتی به مقابله گسترده با آن برخاست و مواضع ابن خلدون با توجه به آثار گسترده این جریان قدرتمند و ثروتمند مخالف که ابن خلدون در آخرین دوره فعالیت سیاسی اداری عمر خود سمت نخست وزیر ممالیک را داشت، قابل توجیه و بررسی است. موضع اصلی ابن خلدون این است که او پیش از ورود به بحث پیرامون احادیث مهدویت؛ عقیده به ظهور مردی از اهل بیت را عقیده کافه اهل اسلام در طول تاریخ دانسته است و می نویسد: «اعلم ان المشهور بین الکافه من اهل الاسلام علی ممر الاعصار انه لابد فی آخر الزمان من ظهور رجل من اهل البیت یوید الدین و یظهر العدل ویتبعه المسلمون و سیتولی علی الممالک الاسلامیه و یسمی بالمهدی و یكون خروج الدجال و مابعد من اشراف الساعه الثابته فی الصحیح...». به هر شکل ابن خلدون چه از مثبتین عقیده به مهدی و یا از منکرین ظهور مهدی باشد، متن نوشته های او به شکل حداقل دلالت اشکار بر اصالت اعتقاد به مهدویت و جایگاه طبیعی آن در فرهنگ و تمدن غرب اسلامی و شمال آفریقا دارد که در لایه های ضخیم انکار و عناد و ابرهای ضخیم و تیره در شب دیجور قرار گرفته است. پژوهش حاضر تدوین و تحلیل جدید پژوهش های پیشین مولف بر اساس طیف گسترده ای از مآخذ و مصادر غرب اسلامی در مسئله مهدی و مهدویت از جمله مهدویت در غرب اسلامی و کتاب تاریخ تشیع (۱۳۸۳/۱۳۸۵) است که در آن بیش از هزار سال سیر تاریخی جریان مهدویت در غرب اسلامی و شمال آفریقا به عنوان بزرگترین جریان سیاسی اجتماعی و فرهنگی شمال آفریقا بررسی شده، آمده است، اندیشه مهدویت از مفاهیم مؤثر قرآنی، روایی، کلامی، سیاسی و از ارکان تاریخ اسلام است که در فرهنگ و تمدن اسلامی و بحران فراگیر و مستمر جهان اسلام، جایگاه ویژه ای داشته است. پژوهش نشان می دهد متن احادیث مهدوی معاضد و موید به دلایل و مدارک متعدد عقلی و نقلی و تاریخ و شهرت علمایی محدثین بزرگ در شرق و غرب جهان اسلام است و تلاش در زمینه مخدوش کردن اسناد آن ها بیهوده و متناقض است. زیرا سایر علمای مغربی احادیث مربوط به مهدی را با اسناد متعدد که در سند آن ها هیچ فرد ضعیف وجود ندارد، در مجموعه هایی برای نقض اشکار انتقادات رجالی ابن خلدون آورده اند و تلاش رجالی ابن خلدون، از شیوه علمی، دانش رجال بیرون است و به اغراض سیاسی بر می گردد.

واژه های کلیدی: مهدی، ابن خلدون، شمال آفریقا، جریان های سیاسی شمال آفریقا، فاطمیان، موحدین، مرابطین، حفصیان، ممالیک، مهدویت

مقدمه: شمال آفریقا مهد جریان جغرافیایی مهدویت، جغرافیای مهدویت در شمال آفریقا

غرب اسلامی شامل بخشی بزرگ از شمال آفریقا (تونس الجزایر مراکش) و آندلس اسپانیا دوره اسلامی است. فرهنگ مهدویت در این منطقه از دنیا جریان جغرافیایی اصیل آن جا است زیرا در مغرب و آفریقا سه شهر به نام مهدی ساخته شد و شهر اول بندر مهدیه بزرگترین بندر تجاری و فرهنگی مدیترانه هنوز از بناد کشور تونس فعلی است. نخستین پایتخت فاطمیان در مغرب به نام مهدی است، شهرهای این منطقه قبر ابن تومرت مدعی بزرگ مهدویت را دارد که اثر گردشگری زیارتی در حال حاضر برای دولت مراکش است و در حدود هفتاد کیلومتری مراکش است. مقاله مهدویت در غرب اسلامی به طور جزئی و مبسوط تاریخ و جغرافیای مهدویت در مراکش لیبی مصر الجزایر و اسپانیا دوره اسلامی است و فرهنگ کوچک تاریخ و جغرافیای مهدویت در مغرب بزرگ عربی آفریقا و آندلس است. جریان مهدویت در شهرهای این منطقه پراکنده شد.

۱- مخالفت و نقد ابن خلدون نخست وزیر دولت حفصیان و ممالیک با مهدویت در گزارش او از متمدین در مغرب و آندلس:

۱-۱- ابن خلدون حاجب حفصیان در صدر مخالفان مهدویت: بررسی و نقد احادیث مهدویت شیعی:

ابن خلدون، حاجب دولت حفصی، و سپس قاضی القضاة ممالیک، اعتقاد به مهدی موعود بر اساس اعتقاد امامیه را غلوآمیز می داند و از «سردابیه» با عنوان «غلاة» یاد می کند. وجود تعداد قابل توجه از مدعیان مهدویت در قرون نخستین گسترش اسلام در غرب اسلامی حاکی از نفوذ گسترده تشیع در مغرب و آندلس است. به طوری که می توان عمده ترین بنیان تحرکات سیاسی در غرب اسلامی را مهدویت دانست. به دلیل این جریان ها اصطلاح مهدویت ساخته شد، مهدویت از اصطلاحات اصیل اسلامی است که محتوی واقعی خود را از مفاهیم شیعی گرفته است. مجموعه مفاهیم فرهنگی تشیع؛ زیر بنای اصلی فرق و مذاهب و جنبش های سیاسی و مذهبی غرب اسلامی قرار گرفت؛ که نیروی محرکه خود را از اعتقاد به مهدویت اخذ می کردند، نکته قابل توجه این که بخش عمده ای از احادیث مربوط به مهدویت و عقیده به مهدی که به شکل گسترده ای در احادیث اسلامی منعکس شده است، واژه مغرب را در خود دارد و مغرب از نقاط جغرافیایی مربوط به ظهور مهدی در احادیث و ملاحم آخرالزمان است. نفوذ این احادیث بر سیر اندیشه در شرق و غرب جهان اسلام به ویژه در غرب اسلامی انگیزه نقد این احادیث به وسیله ابن خلدون بود. در اثر نفوذ همین احادیث بود که دولت های قدرتمندی با بهانه پاسخ به تقاضای این احادیث در غرب اسلامی به وجود

آمدند. ابن خلدون در فصلی از کتاب خود سیر تاریخی توجه به احادیث مهدی منتظر در غرب اسلامی را گزارش کرده است. او با عنوان «فی امر الفاطمی المنتظر و ما یذهب الیه الناس فی شأنه و کشف الغطاء عن ذلک» احادیث مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) را از طریق شیعه و سنی ذکر نموده و سند و متن آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

۲-۱- چهل حدیث از احادیث مهدی در مقدمه و در گزارش و دید ابن خلدون:

در مقدمه بیش از سی بار نام مهدی منتظر و فاطمی منتظر به کار رفته است و نسبت به واژگان و اصطلاحات به کار رفته در مقدمه از رقم قابل توجهی برخوردار است؛ او چهل حدیث از متسخرجات ائمه بزرگ حدیث چون ابن ماجه، ترمذی، ابوداود، بزاز، ابن ماجه، حاکم، طبرانی، الموصلی به نقل از صحابه بزرگ چون حضرت علی (علیه السلام) و ابن عباس را ذکر نموده است؛ پیش از ورود به نقد احادیث یاد شده؛ ذهنیت ابن خلدون اثبات بر ضعف و مردون شمردن احادیث یاد شده است و در آغاز نقد خود می نویسد: جرح در نزد علمای حدیث مقدم بر تعدیل است و هرگونه ضعف در احادیث مزبور به صحت حدیث لطمه وارد می‌آسازد. نمونه کار ابن خلدون در نقد احادیث در شأن حضرت مهدی (عج) و خروج او در آخر الزمان نقد حدیثی مشهور بین اهل سنت و تشیع است یعنی حدیث رایات است؛ ابن خلدون ضمن نقل حدیث موارد جرح علمای اهل سنت و حتی علمای شیعه برسند این روایت را ذکر کرده است. از نقد احادیث سرانجام آنچه خواسته ذهنی اش بود را مطرح نموده و می نویسد؛ این احادیث چنانکه ملاحظه کردی از بوته نقد موفق بیرون نیامدند.

«فهده جمله الاحادیث التي خرجها الائمه في شأن المهدي و خروجه في آخر الزمان و هي كما رأيت لم يخلص منها من النقد الا القليل او الاقل منه»..

۲-۲- نقد سیر تاریخی مهدویت در غرب اسلامی به وسیله ابن خلدون:

۲-۱- نقد مهدویت محی الدین عربی:

ابن خلدون پس از نقد احادیث حضرت مهدی (عج) و عقیده شیعه در خصوص مهدی؛ به استفاده متصوفه از عقاید شیعه به ویژه در مسئله امامت و عصمت امام و عقیده فاطمی منتظر اشاره کرده است. از جمله او به عقیده محی الدین عربی در خصوص مهدی اشاره نموده است که منابع مغربی او از سرچشمه های توجه به مهدی و آثار سیاسی ناشی از آن دانسته اند. او دیدگاه ابن عربی در خصوص مهدی منتظر را آورده است به نوشته ابن خلدون او در کتاب «عنقاء مغرب»، از مهدی (عج) با عنوان «لبنة الفضة» یاد نموده است. ابن عربی پیامبر را خاتم النبیین و از او با عنوان «لبنة الذهب» تعبیر کرده است. تفاوت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و حضرت مهدی (عج) را اختلاف مراتب بین طلا و نقره دانسته است، ابن خلدون سپس به بیان

چگونگی انجام ظهور مهدی در غالب نظریه عصیبت خود پرداخته است. به عقیده ابن خلدون او مهدی فقط از راه برنامه و طرح عصیبت می تواند ظهور کند، ساز و کار ظهور مهدی به نوشته ابن خلدون چنین است: «با براهین قطعی بیان کردیم که قریش و فاطمیان به واسطه عصیبت در جمیع آفاق قادر به بنای حکومت شدند و گروهی پراکنده از طالبین در مدینه و سایر نقاط باقی ماندند؛ حال اگر ظهور مهدی صحیح باشد؛ تنها وجه درست و موفق ظهور او از بین این باقیمانده های طالبیان است در صورتی که اراده کنند، با عصیبت و شوکتی به اندازه کافی در اظهار و برافراشتن پرچم مهدی تلاش کنند، و راهی برای ظهور مهدی به غیر از این طریق وجود ندارد، تنها عصیبت طالبیان پراکنده در جهان قادر به آماده سازی بستر ظهور مهدی است».

۲-۲- ابن خلدون و نقد کاربرد مهدویت به وسیله مرابطین

ابن خلدون پس از بیان راه حقیقی ظهور مهدی به ذکر مواردی از متممهدین در مغرب و اندلس و افریقیه در عصر خود پرداخته است و علل شکست آن ها را تحلیل نموده است؛ به عقیده او چون این افراد خارج از قاعده عصیبت که آن را ذکر کرد، خروج کرده اند، دعوت آن ها چیزی جز ادعاهای عوام فریب نیست و ادعاهای آن ها در مهدویت را به علت دوری و ناآگاهی از حقیقت مسائل مربوط به ظهور مهدی دانسته است؛ به طور نمونه او مرابطین که مدتی در رباط ماسه تجمع کردند و مدعی قیام به دعوت مهدی شدند را عده ای کم خرد و ناآگاه (ضعفاء البصائر) معرفی نموده است که به دلیل ناتوانی در دریافت حقیقت فریب دعوتی را خورده اند، که بی پایه و وسوسه و توهم و حماقت بوده است؛ اکثر این افراد جان خود را در راه ادعای پوچ مدعی مهدویت (یعنی ابن یاسین؛ مهدی مرابطین) از دست داده اند.

۲-۳- ابن خلدون و اعلام از بین رفتن نیروی مهدویت در عهد بنی مرین:

به گزارش ابن خلدون در آغاز قرن هشتم هجری در عصر سلطان یوسف بن یعقوب مردی از متصوفه معروف به تویزری خود را فاطمی منتظر خواند و شمار کشیری از مردم سوس به او گرویدند و کار دعوت او رونق گرفت در اواخر قرن هفتم مردی معروف به عباس خود را فاطمی منتظر خواند و افراد احمق غماره در اطراف او جمع شدند او فاس را بازور تصاحب کرد اما؛ چون در شهر المزمه ترور شد، کار او به سرانجام مطلوب نرسید در رباط عبّاد مقبره شیخ صوفی ابی مدین، در دامنه کوه تلمسان مردی شیعه که از کربلا به آن جا مهاجرت کرده و سکونت اختیار کرده بود و پیروان و شاگردان و مریدان بسیاری در اطراف او جمع شدند و کمک های سرشار مالی از کربلا و عراق به او می رسید، او که با ادعای مهدویت در تلمسان ساکن شد؛ و قصد داشت دعوت فاطمی منتظر را در مغرب گسترش دهد؛ دولت سنی مرینی به انگیزه او پی برد و اقدامات او را خنثی کرد و آن مدعی مجبور شد؛ یاران خود را از ادامه دعوت منصرف کند و متوجه شد که هنوز زمان مناسب دعوت فرانسیده است. مهاجر کربلا در تلمسان جهت اثبات نظریه خود در خصوص مهدویت استفاده

کرده است. بنا به استنباط ابن خلدون چنانکه گذشت تنها راه موفقیت ادعای مهدویت به‌ویژه در مغرب عصبیت است؛ و این مهاجر کربلا چون در تلمسان هواداران متعصبی از طالبیان به اندازه ای که مردم عصر او را تحریک کند نداشته است شکست خورده است؛ به عقیده ابن خلدون این حادثه نشان داد که عصبیت فاطمی و قریشی سال‌ها پیش از مغرب بیرون رفته است و آتش عصبیت لازم برای مهدویت خاموش شده است.

۳- نقد آراء ابن خلدون در احادیث مهدی در مغرب و اندلس:

۱-۳- تناقض آشکار ابن خلدون پیرو ممالیک در نقد و رد احادیث مهدی:

نقد ابن خلدون تابع زمان او است که عصر حاکمیت دولت ممالیک است. ممالیک بسیار متعصب به تسنن و ابن خلدون هم عقیده با آنها بود و او آخرین ادوار عمر سیاسی خود را با ممالیک گذراند و سمت قاضی القضاة ممالیک و سپس رییس خانقاه‌های مصر شد. بنابراین ابن خلدون از دو موضع به مخالفت با مهدویت برخاسته است از موضع اعتقادات تصوف و از موضع سیاسی ممالیک مصر که پرچم مخالفت با همه ابعاد تشیع برافراشتند و ابن سبعین که نامه مهدویت حفصیان را در مکه به امضای شریف مکه رساند را تهدید به قتل کردند و کشتند. با این وصف انکار و نقد ابن خلدون از احادیث مهدی، علمی و اصیل نیست معلوم نیست ابن خلدون چگونه قادر بود این تناقض را حل کند زیرا ابتدا اذعان می‌کند مهدویت دارای سابقه تاریخی و مهمتر این که متفاهم همه مذاهب اسلامی است. ابن خلدون پیش از ورود به بحث پیرامون احادیث مهدویت؛ عقیده به ظهور مردی از اهل بیت را عقیده کافه اهل اسلام در طول تاریخ دانسته است. «اعلم ان المشهور بین الکافه من اهل الاسلام علی ممر الاعصار انه لا بد فی آخر الزمان من ظهور رجل من اهل البيت یوید الدین و یظهر العدل و یتبعه المسلمون و سیتولی علی الممالک الاسلامیه و یشمی بالمهدی و یكون خروج الدجال و مابعدہ من اشراط الساعه الثابته فی الصحیح...».

۲-۳- تولید آثار علمی در شمال آفریقا در اثبات احادیث مهدویت و نقض دیدگاه ابن خلدون

بی‌پایگی نقد ابن خلدون از احادیث مهدویت و تناقض آشکار در مواضع او وجود دارد. دلیل نقضی این مواضع او این که پس از ابن خلدون نقد او از احادیث مهدی در غرب اسلامی و بوسیله علمایی از مغرب، مورد تردید قرار گرفت و مجموعه‌های حدیثی در اثبات مهدویت جمع‌آوری و تدوین و معرفی شد که جزو میراث مهدویت در غرب اسلامی است و حکایت از ریشه‌های اصیل تفکر مهدویت در غرب اسلامی است، و وجود همین ریشه سرانجام، آرای ابن خلدون را به نقد کشید و در اثر عملکرد همین آثار و افکار مهدوی موجود در غرب اسلامی یکی از علمای شما آفریقا از شهر طنجه و متوفی ۱۳۸۰ق در مصر، بیشتر آثار خود را به طعن به بنی امیه و دشمنان اهل بیت اختصاص داد او تشکیک و طعن ابن خلدون در مورد احادیث مهدی را

رد کرد و کتابی با عنوان «ابراز الوهم المکنون فی کلام ابن خلدون» را نوشت و بیش از صد حدیث راجع به مهدی ذکر نمود و کتابی با عنوان «فتح الملک العلی بصره حدیث باب مدینه العلم علی» تدوین کرد. ر.ک: عبدالله تلیدی، الانوار الباهره، ص ۱۸. عبدالله نیز احادیث مهدی را ذکر نموده است و بابتی با عنوان «المهدی من اهل بیت» در کتاب خود آورده است و به تواتر احادیث مهدی نزد محدثین اندلسی از جمله قرطبی اشاره کرده است، کتانی نیز در کتاب نظم المتناثر، تواتر احادیث مهدی را از قول ائمه حدیث نقل کرده است.

۴- نتیجه: فرهنگ اصیل مهدویت در شمال آفریقا

مورد ابن خلدون نشان داد اصالت مهدویت در غرب اسلامی به حدی است که در فرهنگ خواص و عوام شمال آفریقا جریانی اصیل و پویا و ریشه دار است و عوارض دولتی مخالف مانع از بروز آن بوده است و هرگونه نقد متن و سند این احادیث شیوه ای دچار تناقض ذاتی است که با جریان های منتقد وجود اصالت مهدویت اثبات و تناقض مخالفان اشکار میشود چنانکه سیر تاریخی نقد و رد ابن خلدون و سپس شرح و اثبات آن بوسیله خواص علمای غرب اسلامی چند قرن پس از او اما در همان مکان مورد بحث، این حقیقت را اثبات می کند و فرضیه پژوهش حاضر که مواضع ابن خلدون به شدت در چهارچوب سیاست دولت ممالیک شکل گرفته است و اصالت علمی ندارد و تاب مقاومت در برابر جریان علم گرای مهدویت در شمال آفریقا را نداشت و سرانجام جریانی از تولید آثاری در اثبات مهدویت و جایگاه روشن آن در فرهنگ اسلامی در شمال آفریقا شکل گرفت. پژوهش حاضر در استمرار پژوهش های مولف در مهدویت است.

منابع:

- شهیدی پاک محمد رضا تحولات فلسفی و کلامی عهد مرابطین ۱۳۸۰.
- شهیدی پاک محمد رضا مهدویت در غرب اسلامی ۱۳۸۳، ۱۳۸۵.
- شهیدی پاک محمد رضا تحولات فلسفی و کلامی حفصیان ۱۳۸۴.
- شهیدی پاک محمد رضا تاریخ تشیع در غرب اسلامی، ۱۳۹۵.
- شهیدی پاک محمد رضا مطالعه تحلیلی تاریخ مصر و شام و جزیره ۱۳۹۶.